



وحید عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

انتشار آنچه در جلسه اخیر ستاد تنظیم بازار مطرح شده‌است، نشان می‌دهد مسئولان اجرایی در دام سخنانی تکراری گیر کرده‌اند که سال‌هاست از زبان مسئولان ریزودرشت اقتصادی شنیده می‌شود، این اظهارات منطقی و بدیهی به نظر می‌رسند اما وقتی از زبان مسئولان اجرایی که مخاطب «باید»ها هستند، تکرار می‌شوند، بیشتر باعث به هم ریختن روان جامعه می‌شوند چراکه به جای این حرف‌ها باید در میدان، مشکلات را رفع کنند.

اینکه گفته شود اقتصاد با دستور اداره نمی‌شود یا بازسازی‌های اقتصادی باید بدون شوک انجام گیرد، همگی حرف‌هایی درست و روشن هستند اما مشکل این است که این جملات دقیقاً همان چیزهایی هستند که از مسئول اجرایی انتظار نمی‌رود شنیده شود. این حرف‌ها زمانی معنا دارد که از زبان یک کارشناس، یک تحلیلگر یا یک منتقد مطرح شود، نه کسی که در رأس هرم اجرایی ایستاده و اختیار عمل در دست اوست.

وقتی رئیس‌جمهور اعلام می‌کند اقتصاد با دستور پیش نمی‌رود، مخاطب از او انتظار دارد توضیح دهد برنامه عملی جایگزین چیست

و مسئولیت او دقیقاً کجا تعریف می‌شود. این جمله زمانی ارزش دارد که در ادامه‌اش گزارشی مستند از اقدامات دولت ارائه شود که نشان دهد سیاست‌های اقتصادی رها نشده‌است و با برنامه‌ریزی دقیق پیش می‌رود. در شرایطی که بازارهای مختلف هیچ سامانی ندارند و قیمت‌ها بدون منطق افزایش می‌یابند، بیان این جمله بدون ارائه عملکرد مشخص، بیشتر شبیه نوعی فاصله‌گذاری از نتایج اقتصادی است؛ گویی قرار است مسئولیت به «بی‌نظمی ذاتی اقتصاد» حواله شود. چنین رویکردی در افکار عمومی این بار داشت را ایجاد می‌کند که دولت نیز مانند بسیاری از دولت‌های گذشته، در لحظه حساس تصمیم‌گیری، از جایگاه پاسخگویی فاصله می‌گیرد.

اقتصاد کشورمان امروز بیش از هر چیز به مدیریت نیاز دارد که بتواند نظم، پیش‌بینی‌پذیری و اعتماد ایجاد کند، بنابراین سیاستگذار نمی‌تواند صرفاً با اعلام اینکه اقتصاد دستوری نیست از زیر بار مسئولیت‌شان خالی کند. اگر اقتصاد با دستور اصلاح نمی‌شود، پس با چه سازوکاری باید اداره شود؟ برنامه چیست؟ اولویت‌ها کدام است؟ و جدول زمانبندی کدام است؟ بدیهی است اعلام کلیات، بدون ارائه مسیر عملی، حتماً راه‌حل نیست و نشان می‌دهد مسئله اصلی هنوز در سطح شعار باقی مانده‌است.

بعید است مسئولان دولتی ندانند که این روزها فضای اقتصادی

حالتی رهاشده به خود گرفته‌است و بازار مواد غذایی، اجاره‌بها،

خدمات درمانی و حتی کالاهایی که زمانی ثبات نسبی داشتند،

با جهش‌های مداوم قیمت مواجه شده‌اند. وقتی نظارت کم‌رنگ

می‌شود و وقتی بخش‌های مختلف اجرایی هماهنگ عمل

نمی‌کنند، طبیعی است شرایطی پیدا می‌آید که مردم آن را

بهدرستی «بی‌سامانی» می‌نامند. در چنین فضایی، کنایه‌عامیانه‌ای

که می‌گویند «آب سبزی‌لا می‌میرد و قورباغه آب‌وطش می‌خواند»

توصیفی ساده و دقیق از وضعیتی است که بازارها در آن به حال

خود رهاشده‌اند و هر بازگیرِ ساز خود را می‌زند.

بی‌تردید، بخشی از مشکلات اقتصادی کشور ریشه در ساختارهای

دیرینه دارد و کسی انتظار ندارد رئیس‌جمهور در مدت کوتاه معجزه

کند. اما انتظار طبیعی این است که در سخنان رسمی، ردیای مدیریت و

برنامه تهیه‌شده، وقتی دولت در جایگاه‌مطالبه‌گر ظاهر می‌شود و

از لزوم اصلاح روند‌ها سخن می‌گوید، گویی نقش خود را فراموش کرده

است و کسی دیگر باید وظایف دولت را انجام دهد. این در حالی است

که سیاستگذار باید توضیح دهد برای مهار تورم چه اقدام مشخصی

انجام داده و تا امروز چه نتایج‌ای داشته‌ و برای کنترل قیمت کالاهای

اساسی چه سازوکاری طراحی شده‌است و برای کاهش فشار بر طبقات

کم‌درآمد چه برنامه‌ای در دست اجرا دارد.

در بخش دیگری از سخنان رئیس‌جمهور، بر جبران افزایش قیمت

با کاهش اساسی از طریق کالابرگ تأکید شده‌است. این سیاست،

اگر چه در ظاهر حمایت‌گرانه به نظر می‌رسد، اما باید روشن شود آیا

کارآمدترین ابزار موجود است یا صرفاً راه‌حلی ساده برای پوشاندن

ناکارآمدی سیاست‌های کلان تلقی می‌شود. به قاعده تجربه، کالابرگ،

بدون مهار تورم نیز بهر تولید و توزیع، نوعی ششک است و نمی‌تواند مانع

تخلیه فشار تورمی بر سرفه مردم شود، بنابراین کالابرگ زمانی معنا پیدا

می‌کند که در کنار آن، بازسازی‌های اساسی در ساختار قیمت‌گذاری،

کنترل انحصارها، تقویت نظارت و ایجاد ثبات در سیاست‌های ارزی و

مالی دنبال شود. سیاست حمایتی بدون سیاست تثبیت‌کننده، فقط

بخشی از مشکل را موقتاً پنهان می‌کند و در نهایت به تورم انتظاری

دامین می‌زند.

دغدغه معیشت، مسکن، آموزش و سلامت مردم موضوعی حیاتی است،

اما این دغدغه‌ها کافی نیست. سیاستگذار باید گزارش دهد چه

مقدار از بودجه واقعی به این حوزه‌ها اختصاص یافته، چه اقدامی برای

کنترل سوداگری مسکن صورت گرفته و چگونه قرار است نظام درمان

از فشار هزینه‌های جانبی رها شود. بیان اینکه دولت باید به معیشت

مردم توجه کند، کمکی به معیشت مردم نمی‌کند!

نبود تصمیم‌گیری قاطع و هماهنگ یکی از مشکلات حوزه اقتصادی

است. گاه سیاست‌ها چنان متناقض هستند که اثر یکدیگر را خنثی

می‌کنند. از یک سو، دولت به‌درستی اعلام می‌کند که یارانه بی‌هدف

باید محدود شود، از سوی دیگر، طرح‌های حمایتی پراکنده و کوتاه‌مدت

معرفی می‌شود که باار مالی آنها به مراتب سنگین‌تر از بازسازی‌های

ساختاری است. این دوگانگی نشان می‌دهد سیاستگذار هنوز نتوانسته

است درکی واحد و منسجم از اولویت‌های اقتصادی ارائه دهد. اقتصاد

زمانی به ثبات می‌رسد که تصمیم‌ها در چارچوبی روشن اتخاذ شوند و

تغییرات ناگهانی به حداقل برسد.

مردم به درستی امروز از مسئولان اقتصادی انتظار دارند که در برابر

عملکرد خود پاسخگو باشند، چه آنکه مسئولیت اداره اقتصاد در

دست دولت است و باید بداندند تاووم گرانی و آشفتنگی بازار حاصل

چه عواملی است و چه اقداماتی برای مهارش در حال انجام است.

مسئولیت‌پذیری در پذیرش نقش مستقیم در شکل‌دهی به وضع

موجود است. فرار از پاسخگویی با بیان کلیات، صرفاً باعث کاهش

سرمایه اجتماعی می‌شود.

وقتی می‌شنویم اقتصاد با دستور اداره نمی‌شود، انتظار می‌رود در ادامه

توضیح داده شود که چه نقشی‌ای برای اداره صحیح اقتصاد ارائه شده

است. اگر این نقشه ارائه نشود، همین جمله ساده تبدیل به اعترافی

نگران‌کننده می‌شود که مدیریت اقتصادی مؤثر وجود ندارد و بازارها در

وضعیتی نیمه‌رها قرار گرفته‌اند.

سخنان اخیر رئیس‌جمهور هر چند با نیت اصلاح روند‌ها مطرح شده

باشد، نشان می‌دهد دولت درگیر تسلسل جلسه و گفتار درمانی است و

ظاهرابرنامه‌ای هم برای بهبود اوضاع دارد. وقتی مسئول اصلی اقتصاد،

از لزوم اصلاح سخن می‌گوید اما از ارائه برنامه مشخص پرهیز می‌کند،

طبیعی است که مردم احساس کنند مدیریت اقتصادی از حالت فعال

خارج شده‌است و صرفاً به بیان دغدغه‌ها اکتفا می‌شود.

جان کلام آنکه اقتصاد برنامه، مدیریت و نظارت مستمر می‌خواهد.

اگر این سه عنصر در کنار هم قرار نگیرند، بازار همچنان بی‌قاعده

حرکت می‌کند و هر لحظه گروهی از مردم زیر فشار معیشتی

گرفتار می‌شوند.

هزار توی فساد بانک‌ها زیر ذره‌بین

فرزین: بانک‌ها یا از بنگاهداری خارج شوند یا دارایی‌شان زیر قیمت فروخته می‌شود

رئیس سازمان بازرسی: در برخی موارد، تسهیلات فقط به اشخاص خاصی پرداخت شده و با تسهیلات جدید هم اقساط تسهیلات قبلی پرداخت شده است!

کند و باید با مقررات جدید آرزایی شود.

رئیس کل بانک مرکزی بنگاهداری بانک‌ها را از موضوعات اساسی نظام بانکی کشور برشمرد و گفت: بسیاری از بانک‌ها نباید بنگاهداری کنند و مدیران بانک‌ها هم باید نظارت کنند تا لایه‌به‌لایه شرکت زدن در بانک‌ها متوقف شود.

فرزین با اشاره به نقش نظارتی بانک مرکزی در جلوگیری از بنگاهداری بانک‌ها افزود: بانک‌هایی که اکنون بیش از اندازه در حوزه بنگاهداری هستند، باید به سرعت از این موضوع خارج شوند، چون اگر دیر خارج شوند، هزینه‌های زیادی به بانک‌های‌شان تحمیل خواهد شد. وی افزود: ما اکنون صندوق ضمانت سپرده‌ها را ایجاد کرده‌ایم و اگر بانک‌ها از بنگاهداری خارج نشوند، مجبور می‌شویم اینها را با قیمت‌هایی بگیریم که کمتر از قیمت بازار باشد.

■ **مشکل سهامداری بانک‌ها حل شود**

رئیس کل بانک مرکزی به موضوع سهامداری بانک‌ها اشاره کرد: مسئله سهامداری بانک‌ها سبب عدم شفافیت شده‌است و باید سریع‌تر تعیین تکلیف شود، خصوصاً بانک‌های غیر دولتی. ما باید بدانیم سهامدار هر بانک چه شخصی است و آن شخص اگر قانونی است از بانک مرکزی مجوز بگیرد تا بدانیم در بانک ایکس طرف حساب ما در بانک مرکزی چه شخصی است.

فرزین با انتقاد از اینکه اکنون معاملات به صورت غیرشفاف صورت می‌گیرد و من‌اینه دانیم بانک متعلق به چه کسی است، افزود: برای رفع این مشکل سامانه‌ای را هم طراحی کرده‌ایم و اگر کسی را تشخیص دادیم که می‌تواند سهامدار بانک باشد،

آماده‌ایم ۳۳درصد سهام بانک را به او بدهیم اما باید پاسخگوی اقدامات بانک باشد. وی با تأکید بر اینکه نظام بانکی باید تکلیف

سهامداری و شمولیت مالی را روشن کند، ادامه داد: سؤال این است که ما با چه کسی طرف حسابیم؟ آن مدیری که در بانک مسئولیت دارد، باید مشخص باشد طرف حساب او کدام سهامدار است و سهامداری که بانک را اداره می‌کند، دقیقاً چه کسی است و در برابر چه نهادی باید پاسخگو باشد.

رئیس کل بانک مرکزی ادامه داد: این موضوع، به‌ویژه در بانک‌های خصوصی باید شفاف شود، البته در بانک‌های دولتی نیز مسئله سهامداری دولت مطرح است و درخواست ما از دولت و مجلس این است که آن مدیری که در قانون جدید بوجه، تکلیف بانک‌های متعلق به دولت را مشخص کرده، به‌ویژه از بانک‌های که ناترازی‌شان به دلیل این است که سهامدار (یعنی دولت) سرمایه لازم را نیاورده یا بدهی خود را پرداخت نکرده‌است.

وی اظهار داشت: نمی‌توان از مدیر یک بانک دولتی پرسید چرا بانک ناتراز است، در حالی که او می‌گوید من از دولت طلب دارم یا مجلس برای بانک من تکلیف تعیین کرده‌است، این مسائل باید در نهاد حاکمیت مورد بررسی و تصمیم قرار گیرد و تکلیف سهامداری در کل شبکه بانکی روشن شود.

وی با یادآوری اینکه قانون بانک مرکزی تفاوتی میان

سهامداری دولتی و غیردولتی قائل نشده‌است، افزود:

تکلیف بانک‌های غیردولتی و دولتی یکسان است، بنابراین مدیران فعلی بانک‌های دولتی و نیمه‌دولتی

باید با سهامداران خود تعامل لازم را برقرار کنند تا

موضوع سهامداری تعیین تکلیف شودو ما باید بدانیم

دقیقاً با چه سهامداری‌ای روبه‌رو هستیم و مقررات را

به‌طور یکسان برای همه بانک‌ها اجرا کنیم.

■ **دسترسی عادلانه مردم**

به خدمات بانکی مهم است

فرزین با تأکید بر اینکه تسهولیت مالی و دسترسی عادلانه مردم در سراسر کشور به خدمات بانکی را مهم دانست، افزود: بانک‌ها باید بتوانند خدمات خود را در تمامی نقاط ایران به صورت یکپارچه ارائه دهند، به‌گونه‌ای که افراد در دورترین مناطق کشور نیز به سادگی از خدمات بانکی بهره‌مند شوند. وی در عین حال نظام بانکی را از نظر شاخص شمولیت مالی در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان نسبتاً مطلوب دانست و ادامه داد: بانک‌های ما گسترده‌گی تراکشن خوبی دارند و حتی شبکه شاپرک بسیار تراکشن خوبی دارد و در اقصی نقاط کشور می‌تواند به همه ایرانیان خدمت اداره کند.

پایان دهد.

به گزارش تسنیم، خدائیان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور در مراسم رونمایی از سامانه یکپارچه نظارت بانک مرکزی که به حضور مدیران بانک

مرکزی و بانک‌ها برگزار شد، به بیان سخنانی درباره وضعیت فعلی بانک‌ها پرداخت و خواستار برخورد سریع و فوری با تخلفات بانک‌ها شد تا دیگر شاهد

تجربه‌های مشابه بانک آینده نباشیم.

وی با بیان اینکه اگر کالسه‌ای زیر نیم‌کالسه برخی

بانک‌ها مخصوصاً بانک‌های غیر دولتی نیست، چرا

شدیدا مقابل نظارت مقاومت می‌کنند؟ گفت:از

تسهیلات تکلیف کنیم که این بانک‌ها خصوصی یا اختصاصی

گرفته‌شده، چه میزان را بانک‌ها نتوانسته‌اند پرداخت

کنند؟ هزار و ۶۰۰میلیارد تومان نتوانسته‌اند

پرداخت کنند و باید سازمان مالیاتی بیش از

۳۰۰میلیاردها جریمه‌از این بانک‌ها دریافت کند.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور با طرح این پرسش

که آیا سودهایی که بانک‌ها شناسایی می‌کنند، واقعا

سود هستند؟ تصریح کرد: در بانک‌های غیر دولتی،

پرداخت نشده و با تسهیلات جدید هم اقساط

نیستند، چند درصد این بانک‌ها را یک شخص واحد

می‌تواند داشته باشد؟ با اجازه بانک مرکزی نهایتاً

۳۳درصد، اما آیا فکر باید برای یک بانک تصمیم

بگیرد؟ اگر یک نفر تصمیم گرفت، نباید بانک مرکزی

سراغ آن بانک برود؟

خدائیان گفت: در برخی موارد که بررسی کردیم

شخص شده، تسهیلات فقط به اشخاص خاصی

پرداخت شده و با تسهیلات جدید هم اقساط

تسهیلات قبلی پرداخت شده‌است، تسهیلات را از

بانک گرفته و ملکی را خریده‌اند و با چند برابر قیمت

دوباره به بانک فروخته‌اند!

وی تأکید کرد: نباید به انحلال بانک آینده افتخار

کنیم، افتخارمان این است که بموقع ورود می‌کردیم

و جلوی اضافه برداشت و زیان آن را می‌گرفتیم؛

خواهش‌م از مدیران عامل بانک‌ها این است که

شفافیت را در اولویت کار تان قرار دهید، امروز که

مدیرعامل هستید، ممکن است چهار سال دیگر

سراغ شما بیایند، برای کاری که در زمان مدیریت

شما انجام شده‌است.

نظارت سنتی سازمان بازرسی و بانک مرکزی خارج

شویم، باید با استفاده از فناوری اطلاعات را رعایت

محرمانگی به جای برسیم که سیستم نسبت به

تخلفات بانک‌ها هشدار دهد.

■ **فرزین: سهامداران اصلی بانک‌ها**

شفاف نیستند

رئیس کل بانک مرکزی با تأکید بر اینکه باید

کم‌بازده و دشوار برای فروش پر می‌شود.

این پدیده که در اقتصادهای بانک‌محور نظیر ایران

به شدت مشهود است، نه تنها کارایی عملیاتی

بانک‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه اثرات مخرب عمیقی

بر کلان اقتصاد بر جای می‌گذارد. در ایران، این

نگرانی‌ها در سال‌های اخیر جدی‌تر شده‌است. مطابق گزارش‌های منتشرشده مرتبط با اجرای

برنامه‌های توسعه (۱۴۰۳-۱۴۰۷)، بانک مرکزی مکلف به رانندازی دو سامانه حیاتی شده‌است: «سامانه املاک و مستغلات شبکه بانکی» و «سامانه

سهامداری شبکه بانکی».

هدف از این سامانه‌ها، نظارت دقیق بر دارایی‌های

مازاد و اجبار بانک‌ها به واگذاری این دارایی‌ها تا

پایان سال دوم برنامه (و برای بانک‌های با کفایت

سرمایه بالاتر تا پایان سال سوم) بوده‌است، با وجود

این تکلیف قانونی، داده‌های پایان سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد اثباتنش دارایی‌های مازاد در ترازنامه

چندین بانک خصوصی بزرگ، همچنان قابل‌اعتماد و نگران‌کننده باقی مانده‌است.

■ **حجم اثباتنش دارایی‌های مازاد**

برآوردهای داخلی از بازار دارایی‌های مازاد شبکه

بانکی در پایان سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد در هشت

بانک و موسسه اعتباری که از منظر کفایت سرمایه

و نقدینگی وضعیت ضعیف‌تری دارند، ارزش ففتری

دارایی‌های مازاد مجموعاً حدود ۳۲۲/۲هزارمیلیارد

تومان تخمین زده می‌شود. داده‌های جمع‌آوری‌شده

در پایان سال ۱۴۰۳ در مورد دارایی‌های نگهداری‌شده

برای فروش (که عموماً وثایق تسهیلاتی هستند)

نشان‌دهنده یک مشکل عمده‌است: ۹۲درصد از این

دارایی‌ها وثایق تسهیلاتی هستند و متأسفانه ۴۱درصد

از آنها بیش از دو سال از زمان تملک در ترازنامه

بانک‌ها باقی مانده‌اند.

این چسبندگی، بانک‌ها را متحمل هزینه‌های

نگهداری (تعمیر، بیمه، مالیات) و هزینه‌های

فرصت (خواب سرمایه) می‌کند. این هزینه‌ها

به طور مستقیم، فشار بر نرخ‌های سود سپرده و

تسهیلات را افزایش داده و رقابت ناعادلانه ایجاد

می‌کند. هم‌زمان تمرکز ۷۱درصدی این دارایی‌ها با

کاربری تجاری - اداری، ریسک خرق‌های بازار ملک

سودآور هدایت کنند.

این فرایند تخصیص بهینه سرمایه، موتور اصلی رشد

اقتصادی محسوب می‌شود، با این حال هنگامی

که شبکه بانکی به سمت «بنگاهداری» حرکت

می‌کند، یعنی مالکیت و اداره شرکت‌های غیربانکی،

در گیر شدن در نگهداری حجم وسیعی از املاک

و مستغلات و پروژه‌های زیرساختی نیمه‌تمام

ترازنامه‌های آنها با دارایی‌های غیرنقدشونده،

آغاز اجرای طرح گسترده استیجار عمومی

معاون وزیر راه و شهرسازی از آغاز اجرای سیاست «استیجار عمومی» در کلانشهرها خبر داد؛ سیاستی که با هدف کاهش فشار بر بازار مسکن و فراهم‌سازی امکان دسترسی زوج‌های جوان و خانوارهای کم‌درآمد به سربینه مناسب، فصل تازه‌ای در برنامه‌های حمایتی دولت ایجاد می‌کند. به گزارش صداوسیما، معاون امور مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی اعلام کرد اجرای سیاست جدید «استیجار عمومی» در چند استان آغاز شده‌است.

حبیب‌الله طاهرخانی گفت: این سیاست باالایغ دستورالعمل ماده ۶ بسته مدیریت بازار اجاره، به‌طور ویژه برای زوج‌های جوان و دهک‌های کم‌درآمد طراحی شده‌است. او با اشاره به

محدودیت ظرفیت مسکن ملکی در کلانشهرها افزود: بسیاری از متقاضیان طرح‌های گذشته به دلیل ناتوانی مالی قادر به تکمیل آورده خود نبودند. به گفته طاهرخانی، توسعه مسکن استیجاری تجربه موفق بسیاری از کشورهاست و می‌تواند بخشی از چالش‌های بازار مسکن را برطرف کند. وی اعلام کرد: مقدمات اجرای این

سیاست در استان تهران نیز آغاز شده‌است.

در ادامه نشست، مدیران استانی گزارشی از روند اجرای طرح ارائه کردند و بر لزوم نظارت دقیق بر واگذاری اراضی تأکید شد.

معاون وزیر راه هشدار داد واگذاری زمین در

شهرها نباید موجب تخلیه روستاها شود و باید

متقاضیان روستایی در همان محل سکونت

حمایت شوند.

((آگهی مناقصه عمومی))

شهرداری گرگان در نظر دارد نسبت به خرید تجهیزات انفرادی آتش نشانی، به صورت

نقدی / تهارتی (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ بر آورد اولیه

۱۹۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید ، لذا افراد و شرکت های

واجدالشرايط می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۴ لغایت مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ به